

# بینش سیاسی حضرت زهرا

عذراء باباكریمی\*

## چکیده

در این مقاله، سعی شده است با مطالعه شیوه‌ها و رفتارهای سیاسی حضرت فاطمه علیها السلام بینش سیاسی ایشان مورد بررسی و تبیین قرار گیرد. خطبه‌های حضرت علیها السلام با توجه به مضامین و زمینه‌های تحقق آن و دیگر رفتارهای سیاسی ایشان در مواجهه با حکومت غاصب، که بیانگر نوع بینش سیاسی حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد، از جمله مواردی هستند که در این مقاله مورد توجه قرار گرفته‌اند.

کلیدواژه‌ها: حضرت زهرا علیها السلام - سیاست - بینش - حکومت - مبارزه - حق - عدالت - اجرای حدود الهی - قانون - امامت - ایدئولوژی - رفتار - جهان‌بینی - خطبه

## رفتارهای سیاسی حضرت زهرا علیها السلام

«رفتار سیاسی» عبارت است از: «فعالیت‌های سیاسی افراد و پیامدهای آن برای نهادهای سیاسی»<sup>(۱)</sup> در این مقاله، نیز رفتار سیاسی حضرت به آن دسته از فعالیت‌ها و

\* کارشناس ارشد علوم سیاسی.

مبارزاتی اطلاق می‌شود که در قالب ایراد خطبه، اعتراض به غصب فدک و خلافت، سکوت در برابر خلیفه به خاطر وحدت سیاسی و مانند آن صورت گرفته‌اند. این رفتارها، که عمدتاً پس از رحلت حضرت رسول ﷺ و به دنبال ماجرای سقیفه بنی ساعده ظهور کردند، حاکی از این مدعايند که حضرت زهراء ﷺ آگاهی عمیقی نسبت به مسائل اسلامی و سیاسی داشته‌اند، به عبارت دیگر، ایشان از بینش سیاسی عمیقی برخوردار بودند. اما مراد از «بینش سیاسی» چیست؟

### بینش سیاسی

تعییر «بینش سیاسی» از دو کلمه «بینش» و «سیاسی» ترکیب شده است. «بینش» از مصدر دیدن، بینایی، بیندگی و بصیرت، به معنای نگاه و نظر می‌باشد.<sup>(۱)</sup> در اصطلاح روان‌شناسی نیز «بینش» عبارت از «کشف» است. «سیاست» نیز برگرفته از کلمه «ساس» به معنای رعیت‌داری، اصلاح امور مردم و مملکت‌داری می‌باشد.<sup>(۲)</sup> در لسان العرب، «سیاست» به معنای قیام هر چیزی است به آنچه صلاح و مصلحت می‌باشد. «السیاسة: القيام علی شیء بما یصلحه»<sup>(۳)</sup> نزد دانشمندان اسلامی نیز سیاست عبارت است از: روش اداره جامعه به گونه‌ای که مصالح مادی و معنوی آحاد آن تحقق یابد. به دیگر سخن، سیاست به معنی آیین کشورداری است.

با توجه به این دو مفهوم، می‌توان «بینش سیاسی» را چنین تعریف کرد: بینش سیاسی داشتن به معنای فهم دقیق مسائل، حسن و سرعت تشخیص، سرعت انتقال و باریک‌بینی در تمام اموری است که نیاز به تدبیر و سیاست‌گذاری دارند.<sup>(۴)</sup>

در اینجا، منظور از «بینش سیاسی حضرت زهراء ﷺ» آگاهی از روابط و ضرورت‌های

۱. حسن عمید، فرهنگ عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۳۰۰.

۲. علی اکبر سیف، روانشناسی پرورشی، ج پنجم، آگاه، ۱۳۷۰، ص ۲۵۸.

۳. ابی الفضل الافریقی المصری، لسان العرب، بیروت، ۱۹۹۰، ج ۶، ص ۱۰۸.

۴. حسن قاسمیان، حاکمیت دینی در عصر غیبت، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۸۰، ص ۴۲.

میان اجزای نظام اسلامی - سیاسی، از جمله توحید، نبوت، امامت و نظام امت می‌باشد که این بینش بر پایه باورها، آگاهی‌ها و ارزش‌های توحیدی استوار است.

### ساختار بینش سیاسی حضرت زهرا علیها السلام

در یک جمع‌بندی کلی، سه عنصر اصلی را می‌توان در ساختار بینش فرد مؤثر دانست: ارزش‌ها،<sup>(۱)</sup> باورها<sup>(۲)</sup> و آگاهی‌ها.<sup>(۳)</sup> ارزش‌ها ملاک‌های مرجح‌های هستند که موجب می‌شوند انسان یک گونه از نمود و حالت حقیقی را نسبت به حالت دیگر آن ترجیح دهد، برای مثال، حضرت زهرا علیها السلام حمایت از ولایت عظمی را به عنوان حقیقتی در نظر داشتند و از این رو، جان خود را برای اثبات این حقیقت نثار کردند. به عبارت دیگر، ایشان شهادت در راه ولایت را بر زندگی مادی ترجیح دادند.

منظور از «باورها» نیز ایمان و اعتقادی است که ما نسبت به وجهی از واقعیت داریم، به گونه‌ای که آن را حقیقتی آزمون شده و دانسته تلقی می‌کنیم.<sup>(۴)</sup> حضرت زهرا علیها السلام به این باور رسیده بودند که تنها راه نجات و سعادت انسان‌ها تمسک به دامن ولایت و امامت است و هر راهی جز این راه، انحراف و سقوط در فتنه می‌باشد.<sup>(۵)</sup>

آخرین عامل مؤثر در ساختار بینش، عنصر «آگاهی و شناخت» است، قطع نظر از

1. Values.
2. Beliefs.
3. Cognitions.

۴. علی اصغر کاظمی، روش و بینش در سیاست (نگرش فلسفی، علمی و روش‌شناختی)، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴، ص ۲۰ - ۱۹.

۵. «الا في الفتنة سقطوا و ان جهنم لمحيطة بالكافرين»، حضرت در این فراز، با استفاده از آیه ۴۹ سوره توبه به مهاجر و انصار گوشزد می‌کنند که شما با عذر واهی، که همان ترس از سقوط در فتنه بود (هرج و مرج در نظام اسلامی)، در فتنه بزرگ‌تر، که همان انحراف از خط ولایت بود، افتادید. (ابومنصور طبرسی، الاحتجاج، تحقیق شیخ ابراهیم بهادری، ط النانی، المطبعة الاسوه، ۲۴۲۶ هج ۱، ص ۲۶۵).

اینکه منشأ آگاهی‌ها چیست. آگاهی عنصری کلیدی در شکل‌دهی به نظام ادراکی و ایجاد تغییر در آن می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

منشأ آگاهی‌های حضرت زهرا علیها السلام وحی الهی می‌باشد که این مسئله از دو طریق امکان‌پذیر شده است: علاوه بر اینکه ایشان در دامن کامل‌ترین انسان‌های روی زمین تربیت شده‌اند (از طریق پدر، به اطلاعات و آگاهی‌هایی رسیده‌اند که دیگران از آنها بی‌نصیب هستند)، از سوی دیگر، با توجه به احادیث وارد شده، پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله حضرت زهرا علیها السلام از طریق جبرئیل، آگاهی‌های راکسب می‌نمودند. به عبارت دیگر، حضرت زهرا علیها السلام نیز مورد خطاب وحی قرار می‌گرفتند.<sup>(۲)</sup> باید توجه نمود که حضرت آگاهی عمیقی نسبت به مسائل روز داشتند. آگاهی ایشان از متن اجتماع مسلمانان نیز قابل توجه می‌باشد. اما با توجه به این ساختار بینشی، چگونه می‌توان اثبات نمود که عامل رفتارهای سیاسی حضرت زهرا علیها السلام بینش سیاسی ایشان بوده است؟

از طریق برخی از رفتارهای ایشان، از جمله ایراد خطبه در مسجد مدینه و همچنین در بستر بیماری و تلاش بر اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام و گریه‌های حزن‌انگیز پس از ارتحال پیامبر صلی الله علیه و آله می‌توان تا حدی به ساختار بینش ایشان پی برد.

### رفتار سیاسی در قالب ایراد خطبه

یکی از بارزترین رفتارهای سیاسی حضرت زهرا علیها السلام ایراد خطبه است. ایشان با استفاده از زمان و مکان مناسب، سعی در بیداری و آگاهی مسلمانان داشتند. از این‌رو، به دنبال غضب «فدک»، با جمعی از زنان به سوی مسجد مدینه حرکت فرمودند. ابوبکر با عمر و جمعی از اصحاب، اعم از مهاجر و انصار، در آنجا حاضر بودند. آن حضرت علیها السلام چادری

۱. علی اصغر کاظمی، پیشین، ص ۲۱.

۲. محمد دشتی، فرهنگ سخنان فاطمه علیها السلام، ج دوم، چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۷۹، احادیث ۱۹۶ - ۱۹۷.

بر پیش روی خود حایل کردند و در کمال عفت و حجاب، به ایراد خطبه پرداختند.<sup>(۱)</sup> این رفتار اگرچه به دنبال غصب «فدک» صورت گرفت و ظاهراً یک حرکت اقتصادی بود، اما با دقت در زمینه‌های ایراد خطبه و همچنین متن خطبه، اهداف خلیفه از غصب «فدک» و احادیث ائمه اطهار علیهم السلام و نگرش آن‌ها نسبت به «فدک»، می‌توان دریافت که در نگرش شیعه، «فدک» به عنوان نمادی از غصب حکومت به شمار می‌آید.<sup>(۲)</sup>

### زمینه‌های سیاسی ایراد خطبه

مراجعه به تاریخ اسلام نشان می‌دهد پس از ارتحال پیامبر صلی الله علیه و آله، جو اجتماعی - سیاسی با بحران جدی روبه‌رو شد؛ خطری سه‌گانه و مثلث‌وار آیین اسلام را تهدید می‌کرد: یک ضلع این خطر امپراتوری روم بود؛ خطر دیگر امپراتوری ایران؛ و خطر سوم منافقان و احزاب و اقلیت‌های داخلی بودند.<sup>(۳)</sup> در چنین شرایطی، که خطر هجوم خارجی و از همه مهم‌تر خطر دشمن داخلی برای اسلام و مسلمانان وجود داشت، مسلماً حضرت زهرا علیها السلام برای بازپس‌گیری یک قطعه زمین - هر چند با ارزش - حاضر نبودند این میزان سختی را متحمل شوند و هرگز حاضر به ایجاد دودستگی در میان مسلمانان نبودند. اما با توجه به که ایشان از گوهر عقل و عصمت بهره‌مند بودند و هیچ‌گاه منافع شخصی خود و خانواده‌شان را بر منافع دینی و اجتماعی ترجیح نمی‌دادند، مقابله و اعتراض ایشان نسبت به حکومت معنایی دیگر را در خود نهفته داشت. هرچند خلیفه اهداف زیادی از جمله اهداف اقتصادی و همچنین شکستن قداست معنوی اهل بیت علیهم السلام را در دستور

۱. ابومنصور طبرسی، پیشین، ج ۱، ص ۲۵۳.

۲. فدک سرزمین باارزشی بوده و ثروت زیادی از آن به دست می‌آمده است. وجود فدک امتیازی نیز برای حضرت زهرا علیها السلام و اهل بیت محسوب می‌شد؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله طبق آیه ۲۶ سوره اسراء «و آتِ ذَٰلِقُرْبَىٰ حَقَّهُ» فدک را به ایشان بخشید. از سرگذشت فدک و دست به دست شدن آن توسط حکام وقت، می‌توان به بعد سیاسی فدک پی برد. برای مطالعه بیشتر ر.ک: محمدباقر صدر، فدک فی التاریخ، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۹۰ م، ص ۲۶ به بعد.

۳. جعفر سبحانی، منشور عقاید امامیه، قم، مؤسسه الامام صادق علیه السلام، ۱۳۷۶، ص ۱۵۳.

کار خود قرار داده بود،<sup>(۱)</sup> اما هدف اصلی حضرت زهرا علیها السلام از بهانه قرار دادن «فدک» ضربه وارد کردن به موقعیت حکومت غاصب و دفاع از ولایت عظمی و عصمت اهل بیت علیهم السلام بود.<sup>(۲)</sup> ایشان با بینش سیاسی خویش، متوجه خطری بزرگ‌تر از خطر روم و ایران برای جامعه مسلمانان شده بودند و آن انحراف از مسیر ولایت و امامت بود؛ خطری که مسلمانان را به فرقه‌های مختلف تقسیم نمود و مهم‌ترین عامل اقتدار مسلمانان را - که همان وحدت و ایمان بود - زیر سؤال برد.

### بررسی متن خطبه

هرچند بررسی دقیق خطبه در این مقال کوتاه نمی‌گنجد، اما مراجعه به این خطبه و بررسی اجمالی آن ما را با این واقعیت روبه‌رو می‌کند که حضرت در صدد رسوا کردن حاکمان غاصب و نشان دادن بی‌کفایتی آن‌ها به مردم و مسلمانان آینده می‌باشند. متن خطبه خود گواهی بر این ادعاست که ایشان در صدد پس‌گیری صرف «فدک» نبودند؛ زیرا محورهای اصلی خطبه از جمله توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت می‌باشند و تنها قسمت اندکی از خطبه به مباحث اقتصادی و ارث تعلق گرفته است. دقت در این قسمت نیز نشان می‌دهد که خلیفه با تفسیری غلط از قرآن، حتی ساده‌ترین مباحث ارث، را متوجه نشده است. بنابراین، با توجه به متن خطبه و رفتارهای ایشان، می‌توان به دو نکته اشاره کرد:

یکی اینکه حضرت با ایراد این خطبه، منشوری درونی برای شیعه به یادگار گذاشته‌اند؛ منشوری که در آن جهان‌بینی الهی به زیبایی ترسیم گردیده و بر اساس آن ایدئولوژی سیاسی شیعه پایه‌گذاری شده است.

۱. محسن کازرونی، کوثر قرآن، چاپ مظاهری، ۱۳۷۰، ص ۲۶. «اهداف خلیفه از غضب فدک».

۲. برای مطالعه اهداف حضرت زهرا علیها السلام از درخواست فدک ر.ک: محمدباقر انصاری، اسرار فدک، ترجمه سیدحسین رجائی، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۵، ص ۸۳.

دیگر اینکه حضرت با این حرکت و رفتار سیاسی خویش، الگوی مناسبی برای مشارکت سیاسی زنان فراهم نمودند و با بنیان‌گذاری مکتب «اعتراض» در شیعه به همگان فهماندند که دفاع از مکتب تشیع، زن و مرد نمی‌شناسد و هر کدام از آن‌ها باید بر اساس ضرورت‌های موجود، به حمایت از فرهنگ سیاسی شیعه پردازند.

در اینجا، با توجه به حجم بالای مباحث اعتقادی و اجتماعی و سیاسی در خطبه اول ایشان در مسجد مدینه، تنها به بحث جهان‌بینی و ایدئولوژی سیاسی شیعه از دیدگاه حضرت پرداختند. این دو عنصر تأثیر بسیاری بر بینش سیاسی حضرت زهرا علیها السلام دارند. برای بررسی این دو عنصر، به هر دو خطبه حضرت زهرا علیها السلام مراجعه می‌کنیم.<sup>(۱)</sup>

### ارکان جهان‌بینی اسلامی در دو خطبه

پیش از بررسی جهان‌بینی حضرت در خطبه‌ها، لازم است به ارکان آن‌ها اشاره شود. سه مسئله بنیادین جهان‌بینی عبارتند از:<sup>(۲)</sup>

۱. هستی‌شناسی، که به این مطلب می‌پردازد: آیا جهان هستی مساوی با ماده است یا خیر؟ آیا رابطه‌ای بین جهان ماده و ماورای آن وجود دارد یا خیر؟ حل این مسائل به خداشناسی منجر می‌شود.

۲. انسان‌شناسی، که در آن حقیقت انسان مطرح می‌شود: آیا انسان همین بدن مادی است، یا دارای روح غیرمادی می‌باشد؟ آیا واپسین زندگی انسان محدود خواهد بود یا جاودانی؟ آیا روح و جسم انسان در زندگی او رابطه‌ای با هم دارند یا نه؟ این مسئله به حل مسئله معاد منتهی می‌شود.

۳. راه‌شناسی، که مبدأ و معاد انسان را به هم پیوند می‌دهد و نقش آفریدگار را در

۱. حضرت زهرا علیها السلام دو خطبه بسیار مشهور دارند که یکی در مسجد مدینه در مقابل خلیفه و مهاجر و انصار ایراد گردیده است و دیگری در بستر بیماری در مقابل زنان مهاجر و انصار. متن هر دو خطبه در الاحتجاج، ج ۱، موجود می‌باشند.

۲. محمدتقی مصباح یزدی، ایدئولوژی تطبیقی، قم، در راه حق، ۱۳۶۱، ص ۳.

راهنمایی انسان به سوی سعادت ابدی روشن می‌کند و آن راه «وَحی» است که از سوی خداوند متعال در اختیار پیامبران قرار می‌گیرد و راه تضمین شده‌ای می‌باشد. در واقع، این بخش حلقه ارتباط میان جهان‌بینی و ایدئولوژی می‌باشد. در پرتو مسئله نبوت است که می‌توانیم مسائل ایدئولوژی را به صورت تضمین شده حل کنیم.

این ارکان به زیبایی و با ترتیب، در خطبه اول ذکر گردیده‌اند. در ابتدای خطبه، به توحید و صفات خداوند، هدف آفرینش، غیرمادی بودن مبدأ جهان و معاد اشاره می‌فرمایند، و در واقع، با شرح رکن اول جهان‌بینی سخن خویش را شروع می‌کنند. ایشان پس از حمد و ستایش الهی می‌فرمایند: «... من شهادت می‌دهم که معبودی جز خداوند یکتا نیست. بی‌مثال است و شریک و مانند ندارد. این سخنی است که روح آن اخلاص است ... خدایی که رؤیتش با چشم‌ها غیرممکن است و بیان اوصافش با این زبان محال و درک ذات مقدّسش برای عقل‌ها و اندیشه‌ها ممتنع است...»<sup>(۱)</sup>

سپس ایشان اهداف خلقت را به‌طور خلاصه چنین بیان می‌فرمایند: آشکار ساختن حکمت بی‌پایان خداوند، دعوت بندگان به اطاعت او، نشان دادن قدرت نامحدود او، فراخواندن بندگان به عبودیتش و قوت بخشیدن به پیامبرانش. در پایان این بخش، می‌فرماید: تا بندگان را بدین وسیله، از خشم و انتقام و عذاب خویش رهایی بخشد و به سوی باغ‌های بهشتی و کانون رحمتش سوق دهد.<sup>(۲)</sup> در ادامه خطبه، به بحث درباره نبوت و مقام والای پیامبر ﷺ و ویژگی‌ها و اهداف او و زحمات طاقت‌فرسای ایشان در راه گسترش اسلام اشاره می‌شود.<sup>(۳)</sup>

ایشان در قسمت پایانی خطبه، ابتدا به رکن معاد توجه می‌کنند و خلیفه را مورد مؤاخذه قرار می‌دهند و می‌فرمایند: «ولی بدان! در قیامت تو را دیدار می‌کنم و

۱. ناصر مکارم شیرازی، زهرا برترین بانوی جهان، ج دوم، قم، هدف، ۱۳۶۹، ص ۱۴۸.

۲. همان، ص ۱۴۹.

۳. ابومنصور طبرسی، پیشین، ص ۲۵۶.



بازخواست می‌نمایم ... در آن روز، داور خدا، و مدعی تو محمد، و موعد داوری رستاخیز ... می‌باشد.»<sup>(۱)</sup> مشاهده می‌کنیم که حضرت زهرا علیها السلام در خطبه‌های خویش بارها متذکر معاد می‌شوند که از جمله ارکان ایمانی و اعتقادی دین اسلام و شرط مسلمانی است؛ یعنی اگر کسی این رکن را از دست بدهد از زمره مسلمانی خارج است.<sup>(۲)</sup>

بنابراین، در این خطبه، حضرت از لحاظ نظری، جهان‌بینی توحیدی را به زیبایی ترسیم می‌کنند و در کنار آن، یک ایدئولوژی سیاسی را به عنوان الگو و راهنما برای حرکت شیعه در طول تاریخ ارائه می‌دهند. به عبارت دیگر، خطبه ایشان، هم دربردارنده حکمت عملی است و هم حکمت نظری.

### ایدئولوژی سیاسی شیعه

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام یا بینش سیاسی عمیق خویش می‌دانستند که این خطبه‌ها تنها متعلق به زمان ایشان نیستند و باید به عنوان الگویی برای آیندگان به یادگار بمانند. از این‌رو، دقت و توجه ایشان در این خطبه‌ها بسیار تحسین‌برانگیز است و ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که ایشان عالمه‌ای هستند که فقط به زمان خویش احاطه ندارند،<sup>(۳)</sup> بلکه به حق سرور زنان دو عالم‌اند و سخنان ایشان، مهر تثبیتی بر حقایق فرهنگ تشیع می‌باشد. آن حضرت با درایت خویش، در این خطبه‌ها ویژگی‌های ایدئولوژی سیاسی شیعه را برمی‌شمرند.

برای هر ایدئولوژی پنج ویژگی می‌توان برشمرد که کلی‌اند. غالب ایدئولوژی‌ها

۱. همان، ص ۲۶۸.

۲. مرتضی مطهری، مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، قم: صدرا، ص ۴۸۷.

۳. حضرت فاطمه علیها السلام عرض کرد: «یا علی. بیا تا خبر دهم بدانچه از بدو آفرینش بود و بدانچه می‌باشد و به چیزی که نبوده است تا گاهی که روز قیامت آشکار شود.» ر.ک: ذبیح الله محلاتی، ریاحین الشریعه، ج ششم، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۱۵۸.

دارای این ویژگی‌ها هستند. ایدئولوژی اسلام نیز با توجه به جامعیت آن از این امر مستثنا نیست. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. معمولاً ایدئولوژی نظریه‌هایی کم و بیش جامع در مورد انسان و جامعه را در بر دارد.

۲. نظریه و برنامه‌ای کلی درباره‌ی سازمان سیاسی - اجتماعی را داراست.

۳. رسیدن به این برنامه مستلزم برنامه‌ای است که استراتژی آن در این ایدئولوژی بیان شده است.

۴. نه تنها در پی انگیزش مردم است، بلکه در جهت اهداف خویش، به دنبال یافتن هواداران وفادار می‌باشد.

۵. خطاب آن به عامه مردم است، به روشن‌فکران، در رهبری، نقش خاصی را می‌دهد. همان‌گونه که گذشت، در تفکر حضرت زهرا علیها السلام انسان موجودی مختار است و حق انتخاب دارد. اما این انسان در هستی زندگی می‌کند و عالم هستی نیز ماهیت از او بی و به سوی او بی دارد؛ یعنی عالم هستی در این جهان مادی خلاصه نمی‌شود و در ورای این عالم خاکی، عالم دیگری است. انسانی که در این جهان زندگی می‌کند نیز ماهیت دو بعدی دارد: بعد مادی و بعد معنوی. و این انسان دو بعدی استعداد رسیدن به کمال را داراست. اما استعداد به تنهایی کافی نیست. بنابراین، هم انسان و هم جامعه محتاج راهنما و هدایت‌کننده می‌باشند تا بتوانند راه خود را بیابند. و این راهنما کسی نیست جز پیامبر و امام. همچنین انسان برای رسیدن به سعادت، به وسیله‌ای نیاز دارد که این وسیله رشد و سعادت، همان «قرآن» می‌باشد.

حضرت زهرا علیها السلام در خطبه خویش می‌فرمایند: «شما ای بندگان خدا! مسئولان امر و نهی پروردگار و حاملان دین و وحی او هستید و شما نمایندگان خدا بر خویشتن و مبلغان او به سوی امت‌ها می‌باشید. پاسدار حق الهی در میان شماست و حافظ پیمان خداوند، در دسترس همه شماست و آنچه پیامبر صلی الله علیه و آله پس از خود در میان امت به یادگار گذارده،

کتاب ناطق خدا و قرآن صادق، نوری آشکار و روشنایی پرفروغ است...؛ کتابی که ... مستمعان را به ساحل نجات رهبری می‌کند...»<sup>(۱)</sup>

حضرت زهراء علیها السلام در این خطبه، بارها مردم را مخاطب خویش قرار می‌دهند و به آن‌ها اعتماد به نفس می‌بخشند که شما آزاد از هر قید و بندی نسبت به بندگی دیگری هستید. در فرازهای مزبور، ایشان انسان را مختار و مسئول رفتار سیاسی خویش می‌دانند و به مهاجر و انصار می‌فهمانند که هیچ عذری از آن‌ها پذیرفته نخواهد بود.

ایشان در خطبه دوم خویش می‌فرمایند: «أتلز مکموها و أتم لها کارهون»<sup>(۲)</sup> یعنی آیا ممکن است ما شما را مجبور به پذیرش حق کنیم، در حالی که شما از آن کراهت دارید؟ بنابراین، در مکتب تشیع، فرد و جامعه سیاسی مسئول رفتار خویش هستند و در صورت تخلف، باید پاسخگو باشند. این ایدئولوژی سیاسی حضرت فاطمه علیها السلام است که به انسان، شرافت، شخصیت انسانی، شناخت، رسالت و مسئولیت می‌دهد. از این‌رو، می‌بینیم ویژگی اول ایدئولوژی به وضوح در خطبه‌ها نمایان است.<sup>(۳)</sup>

### نظریه در مورد سازمان سیاسی - اجتماعی

حضرت زهراء علیها السلام در بخش فلسفه احکام، در واقع فلسفه و ضرورت امامت و سازمان سیاسی اسلام را مطرح می‌کنند؛ آنجا که می‌فرمایند: «وطاعتنا نظاماً لِلْمَلَّةِ و امامتنا اماناً من الفرقة»<sup>(۴)</sup> یعنی اطاعت از ما اهل بیت نظم‌دهنده ملت، و امامت برای ایجاد وحدت و دوری از تفرقه و پراکندگی است.

۱. ابومنصور طبرسی، پیشین، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲. همان، ص ۲۹۱.

۳. لازم به ذکر است که حضرت با زیبایی، نقش انسان و جامعه را در سرنوشت حکومت اسلامی ترسیم می‌کنند، اما در اینجا، مجال پرداختن به تمام فرازهای خطبه نیست. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: عزالدین حسینی زنجانی، شرح خطبه حضرت زهراء علیها السلام، ج دوم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۹۱-۳۸۸.

۴. ابومنصور طبرسی، پیشین، ج ۱، ص ۲۵۸.

همچنین در خطبه دوم، به‌طور مشروح به مسئله امامت و ویژگی‌های امام می‌پردازند. بر این اساس، مشخص می‌شود که از دید ایشان، نظام سیاسی اسلام نظامی است که در رأس آن، جانشین پیامبر ﷺ قرار می‌گیرد. این جانشینی از نظر ایشان و در فرهنگ تشیع متعلق به مولای متقیان و فرزندان ایشان می‌باشد.<sup>(۱)</sup>

### مبارزه در راه هدف

دین اسلام دین مبارزه و جهاد است، چه جهاد با نفس و چه جهاد با دشمن بیرون. حضرت فاطمه علیها السلام، هم عملاً از طریق رفتارهای سیاسی خود، مبارزه با غاصبان را به شیعیان می‌آموزد و هم در خطبه‌های خویش، مردم را به مبارزه و جهاد فرا می‌خواند. برای مثال، در بخش «فلسفه احکام» می‌فرمایند: «فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرِكِ ... وَالْجِهَادَ عِزًّا لِلْإِسْلَامِ»؛<sup>(۲)</sup> یعنی خداوند ایمان را برای پاکی شما از شرک ... و جهاد را به خاطر عزت و سربلندی اسلام قرار داد.

در انتهای خطبه، به مهاجران و انصار می‌فرمایند: این چه سکوتی است که در مقابل از دست رفتن حق من روا می‌دارید؟! این چه تغافل است که در برابر ستمی که بر من وارد شده است نشان می‌دهید؟! و در تضمینی از قرآن می‌فرمایند: «چرا با قومی که پیمان‌های خود را شکسته و تصمیم به اخراج رسول گرفتند پیکار نمی‌کنید، در حالی که آن‌ها آغازگر بودند؟» (توبه: ۱۳)

در این خطبه، نمود عینی مبارزه در راه هدف نیز به چشم می‌خورد. ایشان با اشاره به مبارزات پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام در این دو خطبه، مهم‌ترین عنصر ایدئولوژی سیاسی شیعه را برای مسلمانان آینده ترسیم می‌کنند و آن عدم سازشگری با دشمن می‌باشد.

۱. حضرت فاطمه علیها السلام، در خطبه اول بارها در قالب تشبیه و کنایه امامت حضرت علی علیه السلام را گوشزد می‌فرمایند، اما نامی از ایشان نمی‌برند، اما در خطبه دوم، نام حضرت علی علیه السلام را به وضوح در خطبه متذکر می‌شوند.

۲. ابومنصور طبرسی، پیشین، ج ۱، ص ۲۵۷.

در مورد ویژگی دوم و پنجم ایدئولوژی نیز باید متذکر شد که ایشان در اثنای کلام خویش، به تناسب بحث، مردم را به اطاعت خدا و رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام می خوانند. ایشان با بینش عمیق خویش، در قالب استعاره، کنایه، تشبیه، تمثیل و یا تضمین آیات قرآن، بارها با واژه «یا ایها...» و «یا ایها المسلمون...»<sup>(۱)</sup> مردم حاضر و آیندگان را مورد توجه قرار می دهند.

در واقع، در این فرازها، مخاطبان آن حضرت علیها السلام عالمان و آگاهان بی تفاوت جامعه اسلامی، شخصیت‌ها و بزرگان تطمیع شده مدینه، اصحاب و یاران رفاه‌زده و قدرت طلب می باشند؛ کسانی که دست از ارزش‌های الهی شسته و مرعوب و مضطرب شده‌اند. از سوی دیگر، ایشان می دانند که در قلب‌های قفل زده آن‌ها چیزی اثر نمی کند. از این رو، در پایان خطبه، هدف از ایراد آن را برای اهل مسجد، اتمام حجت معرفی می کنند.<sup>(۲)</sup>

بنابراین، حضرت در این خطبه، به طور کلی، با تبیین وضع موجود (انحراف از مسیر امامت) به ارائه وضع مطلوب و آرمانی و (اطاعت از امامت و اهل بیت علیهم السلام برای رسیدن به سعادت) و ارائه طریق رسیدن به آن (به وسیله قرآن و اهل بیت علیهم السلام) به دقت به ترسیم ایدئولوژی سیاسی شیعه می پردازند.

بنابراین، ملاحظه می کنیم که مخاطبان حضرت زهرا علیها السلام روشن فکران و آگاهان زمان و در نهایت، توده مردم می باشند. حضرت نیز با بینش سیاسی خویش می دانند که این گروه با توحید و نبوت و معاد آشنایی دارند. از این رو، در صدد تبیین این موارد نیستند. همچنین می دانند که این جماعت با قرآن نیز آشنایی دارند. از این رو، نمی خواهد فلسفه آیات ارث و پس‌گیری «فدک» را برای آن‌ها توضیح دهند. مسلماً هدف ایشان امر مهم دیگری است و آن ارائه نظریه سیاسی اسلام درباره امامت و حکومت می باشد؛ زیرا

۱. همان، ص ۲۶۷ - ۲۵۹.

۲. همان، ص ۲۷۴.

می‌دانند قانون الهی احتیاج به مجری دارد و تنها کسی شایسته این اجراست که اعلم و احق نسبت به مسائل الهی باشد.

اگرچه ایراد خطبه در مسجد مدینه و همچنین در بستر بیماری در مقابل زنان مهاجر و انصار یکی از رفتارهای مدون حضرت زهرا علیها السلام به شمار می‌رود و بر این اساس، شاید نیازی به ذکر دیگر رفتارهای ایشان نباشد، اما توجه به برخی از رفتارهای حضرت در کنار این خطبه‌ها، ما را با واقعیت‌های بیشتری آشنا می‌کند. به همین دلیل، به برخی از این رفتارهای سیاسی اشاره می‌گردد:

#### رفتار سیاسی در قالب گریه و مصیبت و وصیت سیاسی

یکی از پنج نفری که در دنیا بسیار گریسته‌اند حضرت زهرا علیها السلام می‌باشند<sup>(۱)</sup> که این مسئله نشان از عمیق بودن درد و رنج ایشان دارد. حضرت در بیان احوال خود، در پاسخ ام‌السلمه فرمودند: «در میان انبوه غم و گرفتاری هستم: از دست دادن پیامبر و مورد ستم قرار گرفتن وصی او.»<sup>(۲)</sup>

این سخن به خوبی نمایانگر این مطلب است که ناراحتی ایشان بیشتر به خاطر سرنوشت مسلمانان بوده، تا وضعیت روحی خویش؛ چرا که می‌فرمایند: من نگران از دست دادن پیامبرم هستم، نه پدرم، و نگران مورد ستم واقع شدن وصی او هستم، نه شوهرم.

یا در جواب دختر طلحه، که در یکی از روزهای غم‌بار پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله خدمت حضرت فاطمه علیها السلام رسید و از گریه‌های جانکاه آن حضرت سخت نگران شد و علت را پرسید، حضرت فاطمه علیها السلام در جواب فرمودند: «ای دختر طلحه! آیا از مصیبت و رویداد تلخی می‌پرسی که در همه جا انتشار یافته است؟ ... از پست‌ترین قبایل عرب،

۱. مهدی حسینیان قمی، زخم خورشید (کاوشی در زندگی حضرت زهرا)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۹، ص ۱۲۹.

۲. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۵۵.

قبیله "تیم"، ابوبکر بن ابی قحافه و از حیلله بازترین قبایل عرب، قبیله "عدی"، عمر بن خطاب بر علی علیه السلام ستم روا داشتند. پرچم مسابقه برافراشتند تا بر علی علیه السلام پیشی بگیرند. چون موفق نشدند، بغض و کینه علی علیه السلام را در دل گرفتند. آن‌گاه که نور دین به خاموشی گرایید و پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت کرد، آن بغض‌ها و کینه‌ها را به زبان آوردند و بر مرکب آرزو سوار گشتند و ستم‌ها روا داشتند.<sup>(۱)</sup>

این احادیث به وضوح، فلسفه گریستن ایشان پس از رحلت حضرت رسول صلی الله علیه و آله را نشان می‌دهند و ثابت می‌کنند که این گریه‌های علنی نمود یک رفتار سیاسی در مقابل حکومت غاصب می‌باشند؛ زیرا این گریه‌ها و حزن‌ها و بی‌قراری‌ها اولاً، در فراق رسول خدا صلی الله علیه و آله و مقام رسالت و منزلت الهی ایشان بوده است؛ ثانیاً، به خاطر از دست رفتن زحمات وی و انحراف حکومت اسلامی از مسیر اصلی خویش؛ ثالثاً، به خاطر ابراز خشم و ناراحتی از حکومت انحرافی و نشان دادن نگرانی خویش از وضع موجود و بیان این نکته که معیار خشم خدا خشم حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد. بنابراین، گریه ایشان همچون افراد عادی نیست. مسلماً کسی که می‌فرمود: «الجارُ ثُمّ الدار»،<sup>(۲)</sup> در صدد آزردن مردم مدینه و همسایگان خویش نمی‌باشد. ولی با توجه به بینش عمیق خود، می‌داند که این گریه‌ها باید به گوش تاریخ برسند؛ تاریخی که در بود و نبود «بیت‌الاحزان» در آینده تشکیک می‌کند و سعی در پوشاندن حقیقت دارد. «لذا، حقیقت این است که گریه فاطمه علیها السلام آسایش مردم را بر هم نهد، بلکه هیأت حاکمه را زجر می‌داد. لذا، حاکمان او را از گریه منع می‌کردند.»<sup>(۳)</sup> این گریه‌ها با ظاهر عاطفی، معنایی عقلانی، در خود نهفته داشتند تا تاریخ عقلا را به فکر وادارند که چرا حضرت زهرا علیها السلام که از نابینا رو می‌گرفت، گریه و اندوهش روز و شب در فضای مدینه می‌پیچید؟!

۱. محمد دشتی، پیشین، ص ۲۴۵.

۲. محمد باقر مجلسی، پیشین، ج ۴۳، ص ۸۲.

۳. سید جعفر مرتضوی، عاملی، رنج‌های حضرت زهرا، ترجمه محمد سپهری، ج دوم، قم، تهذیب، ۱۳۸۱، ص ۳۰۲.

از سوی دیگر، نگاهی سطحی به وصیت سیاسی حضرت زهرا علیها السلام نشان می‌دهد که وصیت به مخفی بودن قبر و تدفین ایشان چیزی جز یک مسئله سیاسی نیست؛ زیرا حضرت می‌دانستند که صحابه دیروز و حيله‌گران امروز با شرکت در مراسم تدفین وی، در صدد احراز مشروعیت برای خویش می‌باشند. از این رو، با این حرکت سیاسی خود مبنی بر تدفین شبانه و مخفی بودن قبرشان، به همگان فرمودند که اجرای اسلام واقعی و ناب محمدی بدون حکومت اسلامی امکان‌پذیر نیست و مسند حکومت اسلامی براننده غاصبان بی‌سیاست و منحرفان از خطر رهبری و امامت نمی‌باشد. در واقع، حضرت با این وصیت دو نکته را گوشزد کردند: (۱)

۱. تنفر از غاصبان حکومت که راه مستقیم سیاست الهی را منحرف کردند و با سیاست شیطانی خود، بدعتی آشکار و دیرینه در اسلام پایه‌گذاری کردند؛ چنان‌که در ابتدای وصیت خویش، شکستن عهد خدا و پیامبرش را، که همان مسئله امامت و جانشینی است، گوشزد می‌کنند. (۲)

۲. تنفر از مردمی که منفعلانه در برابر حکومت جور سر تسلیم فرود آوردند و با آنکه می‌دانستند حق با چه کسی است، ایشان را یاری نمودند و با این کار، به تحقق حکومت غاصب یاری رساندند.

### رفتار سیاسی در قالب انزجار از غاصبان حکومت

حضرت زهرا علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، هیچ‌گاه دست از مبارزه نکشیدند، حتی در بستر بیماری به ایراد خطبه و انزجار از کسانی پرداختند که امامت و رهبری را به انحراف کشاندند. سکوت و قهر حضرت زهرا علیها السلام با خلیفه مسلمانان، که تازه بر مسند قدرت تکیه زده بود، موجب رسوایی او نزد مردم می‌شد. پس از غصب «فدک» و ایراد خطبه،

۱. رجوع به متن وصیت سیاسی حضرت زهرا علیها السلام، محمد دشتی، پیشین، ص ۲۵۱.

۲. ابی‌الفضل ابی‌طاهر بغدادی، بلاغات النساء، من نشریات المکتبه المریض و طبعتها الحیدریه، ۱۳۶۱، ق.



غاصبان در صدد کسب رضایت حضرت زهرا علیها السلام برآمدند تا در میان مردم، مصداق حدیث «إِنَّ اللَّهَ يَغْضَبُ لِغَضَبِكِ»<sup>(۱)</sup> نشوند. اما سکوت و قهر حضرت فاطمه علیها السلام آن‌ها را برای همیشه تاریخ، مصداق این حدیث نبوی ساخت. این رفتارها نیز اگرچه ظاهری عاطفی دارند، اما دارای معنایی عمیق می‌باشند. هرچند پرداختن به تمام رفتارهای حضرت در این نوشتار ممکن نیست، اما متون تاریخی و احادیث نشان می‌دهند که رفتارهای سیاسی ایشان در چند قالب بودند:

- الف. ایراد خطبه و مبارزه با بدعت در سیره و سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله در قالب تقاضای «فدک» و مشی احتیاج و نظرخواهی از مهاجر و انصار؛
- ب. ایراد شعار پرمحتوای فراق رسول الله صلی الله علیه و آله و اعلام نگرانی از آینده مسلمانان و شکستن ارزش‌های موجود در جامعه؛<sup>(۲)</sup>
- ج. عدم گفت‌وگو با ابوبکر و عمر برای رسوا کردن آن‌ها در مقابل مردم هنگام بیماری، در قالب سکوت؛
- د. انزجار از غاصبان حکومت و مردم منفعل که در قالب وصیت سیاسی نمود یافته است.

این رفتارها، که دارای پیامدهای کوتاه مدت و بلند مدتی برای غاصبان حکومت بودند، باعث شدند بسیاری از حقایق به فرهنگ شیعه منتقل شوند؛ زیرا از تمام این رفتارها و متن وصیت سیاسی ایشان و بخصوص خطبه‌های گوه‌ر بار ایشان، می‌توان دریافت که سیاست حاکم بر زمان ایشان، سیاست خشونت، فشار، خفقان و به تسلیم وادار کردن و همچنین لگد مال کردن حقوق افراد بود و در واقع، آنچه حضرت را رنج می‌داد محو سیاست اسلامی و جایگزین شدن سیاست شیطانی مبتنی بر دروغ و عوام‌فریبی بود. با کمی دقت، می‌توان به این نتیجه رسید که رفتارهای سیاسی حضرت

۱. محمدباقر مجلسی؛ پیشین، ج ۳۷، ص ۷۰، روایت ۳۸، ب ۵۰.

۲. حسین بشیریه، جامعه‌شناسی سیاسی، ج پنجم، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶، ص ۵۸.

زهرائیه علیها السلام اگرچه ظاهری احساسی دارند، اما محتوای آن‌ها چیز دیگری است. با توجه به علم و اعتقاد حضرت زهرائیه علیها السلام، این سؤال مطرح می‌شود که اگر بخواهیم نوع و چستی رفتارهای ایشان را بررسی کنیم، این رفتارها در محدوده کدام کنش‌ها قرار می‌گیرند؟

### شناخت ماهیت رفتارهای حضرت زهرائیه علیها السلام

برای فهم نوع رفتارهای حضرت فاطمه علیها السلام، بهتر است به انواع کنش‌های اجتماعی، که برخی از جامعه‌شناسان مطرح می‌کنند، اشاره کنیم:

ماکس وبر معتقد است: دوگانگی زندگی عقلانی و غیرعقلانی در حوزه جامعه و سیاست نیز بازتاب دارد. از این‌رو، وی چهار نوع مثالی از کنش‌های اجتماعی را بررسی می‌کند:

۱. کنش عقلانی هدفمند که بر اساس رابطه میان هدف و وسیله صورت می‌گیرد. این کنش در زندگی اقتصادی نمود بارزی پیدا می‌کند. بازیگر اجتماعی به اقتضای تسهیل کار خود، در هدف و وسیله تغییر ایجاد می‌نماید.

۲. کنش عقلانی مبتنی بر ارزش که عمدتاً در حوزه دین و اخلاق نمودار می‌شود. در این کنش، ممکن است در وسایل تجدید نظر شود، اما در اهداف که مبتنی بر اصول و ارزش‌ها هستند، چنین تجدیدنظری ممکن نیست. این کنش بدون توجه به نتایج سودمند یا زیان‌آور آن، صرفاً بر حسب اصول و اعتقادات صورت می‌گیرد.

۳. کنش‌های سنتی که مکانیکی هستند و محاسبه وسیله و هدف در آن‌ها متصور نیست.

۴. کنش عاطفی و احساسی نیز که غیرعقلانی است و بدون محاسبه هدف و وسیله

صورت می‌گیرد. (۱)

۱. علامه حسن‌زاده آملی در این زمینه می‌فرماید: بدون هیچ دغدغه و وسوسه، حضرت فاطمه دختر

در بررسی رفتارهای حضرت زهرا علیها السلام و همچنین با توجه به مضامین خطبه الهی - سیاسی ایشان و دیگر احادیث ائمه اطهار علیهم السلام، می‌توان به یک جمع‌بندی از رفتارهای ایشان پرداخت و آن اینکه رفتارهای ایشان را می‌توان با کنش نوع دوم، یعنی «کنش عقلانی مبتنی بر ارزش» توضیح داد، زیرا حضرت با جهان‌بینی توحیدی که دارند هیچ‌گاه در هدف خود، که همان حمایت از ولایت و ایدئولوژی سیاسی شیعه می‌باشد، تغییر ایجاد نمی‌کنند، بلکه وسایل رسیدن به هدف، که همان رفتارها می‌باشند، تغییر می‌کنند. این رفتارها در نوع اول نیز جای نمی‌گیرند؛ زیرا - همان‌گونه که مطرح شد - رفتارهای حضرت، بخصوص ایراد خطبه «فدکیه»، به خاطر مسائل اقتصادی نبوده و فدک نمادی از حکومت و از این‌رو، بهانه‌ای برای اعتراض به حکومت منحرف و غاصب بوده که بر اساس تفسیر غلط از سنت نبوی مستقر گردیده است.

این رفتارها در قسم سوم و چهارم نیز جای نمی‌گیرند؛ زیرا تبعیت محض از سنت رایج و احساس عاطفه، که عمدتاً در حوزه غیرعقلانی است، با عصمت<sup>(۱)</sup> و علم آن حضرت علیها السلام سازگاری ندارند. تحقیقات مپویر علوم اسلامی

بنابراین، نوع رفتارهای ایشان رفتار عاقلانه مبتنی بر ارزش می‌باشد؛ زیرا این‌گونه رفتارهای سیاسی، آگاهانه و همراه با بینش و بصیرت مبتنی بر ایمان و عقیده می‌باشند و هدف آن‌ها سعادت انسان‌ها و نجات از بردگی و ذلت و فراهم آوردن مبادی ارزش‌های معقول در جامعه است.

<sup>۱</sup> بیغمیر علیها السلام دارای عصمت بوده و علمای بزرگ مثل شیخ مفید، علم‌الهدی و سیدمرتضی، به آیات و روایات نص بر عصمت آن جناب اشاره فرموده‌اند و حق با آنان است. (حسن حسن‌زاده املی، فص حکمة عصمتیة فی کلمة فاطمیه، طوبی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۳).

همچنین حضرت زهرا علیها السلام در خطبه «فدکیه» بر عصمت خویش تأکید می‌فرمایند: «ایها الناس اعلموا انی فاطمة و ابی محمد صلی الله علیه و آله أقول عوداً و بدواً و لأقول ما أقول غلطاً و لا أنفعل ما فعل شیطناً...» (ر.ک: ابومنصور طبرسی، پیشین، ص ۲۵۹).

۱. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: سیدعزالدین حسینی زنجانی، شرح خطبه حضرت زهرا علیها السلام، ج ۱ و ۲ / ناصر مکارم شیرازی، زهراترین بانوی جهان / نگارنده، بینش سیاسی حضرت زهرا علیها السلام با تأکید بر دو خطبه ایشان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم، مؤسسه باقرالعلوم علیه السلام.

## نتیجه

به طور کلی، می‌توان گفت: حضرت زهرا علیها السلام با بینش سیاسی عمیق خویش، که عامل رفتارهای سیاسی ایشان می‌باشد، از بعد نظری به ترسیم جهان‌بینی توحیدی و از بعد عملی به ترسیم ایدئولوژی سیاسی شیعه پرداخته‌اند. رفتارهای حضرت علیها السلام حکایت از اعتقاد به وحدانیت خداوند دارند که سراسر وجود ایشان را پر کرده و مرکز ثقل همه رفتارهای ایشان می‌باشند. در واقع، ثمره بینش روشنگرانه عقل عملی، نوعی علم نجات است. عاقل کسی است که مسائل سیاسی را آن‌گونه که هستند، می‌بیند و می‌داند که چگونه باید رفتار کند. سیاست اگرچه در نظر حضرت زهرا علیها السلام هدف نیست، اما قدرت و حکومت وسیله‌ای است برای رسیدن به هدفی بالاتر که همان قرب الی الله و سعادت انسان و جامعه می‌باشد. از این رو، در این راه تلاش می‌کنند و جان شریف خویش را در راه این اهداف فدا می‌سازند. بنابراین، با یک نگاه کلی، می‌توان پی برد که رفتارهای سیاسی حضرت زهرا کنش‌های عقلانی مبتنی بر ارزش می‌باشند و بر اساس آگاهی‌ها، باورها و ارزش‌های توحیدی صورت گرفته‌اند و اگر این مبارزات مستمر نبودند، امروز شیعه دارای ایدئولوژی اعتراض و مقاومت و مبارزه نبود و سر تسلیم در مقابل هر ظلمی فرود می‌آورد. اما حضرت زهرا علیها السلام به عنوان بنیانگذار مکتب «اعتراض» در شیعه، نسبت به بدعت و تفسیر غلط، راه روشنی برای عموم شیعیان ترسیم نمود. از سوی دیگر، با ترسیم الگوی «مشارکت سیاسی» برای زنان، به آن‌ها می‌آموزند که یک زن مسلمان با آگاهی و اعتقاد و ایمان، حق دارد در سرنوشت خود و جامعه خویش سهم باشد و اسلام هیچ‌گاه برای حضور او در صحنه سیاست محدودیتی قایل نمی‌شود، مگر حجاب و پای‌بندی به ارزش‌های توحیدی.